قدرت هوشمند و عوامل تحکیم آن

با تکیه بر نقش رهبری در ایران

محمد خجسته

# چکیده

مدیریت کارآمد، هوشیاری، بصیرت، اقدام به موقع، شجاعت و تدبیر رهبر کبیر انقلاب حضرت "امام خمینی(ره)" و رهبر معظم انقلاب حضرت "امام خامنه‌ای" و به‌کارگیری انواع قدرت‌های نرم و سخت و بسیج افکار و ابدان عمومی و تلفیق آن در شرایط مناسب برای بهره‌گیری هوشمندانه سبب شد تا تمام ترفندها و شیوه‌های به‌کار گرفته شده از سوی دشمنان نظام برای سرنگونی نظام و اغواء و اغفال مردم در حمایت از نظام، ناکارآمد جلوه کند. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، ولایت فقیه و رهبری نظام، مهم‌ترین رکن نظام اسلامی و مستحکم‌ترین سد دفاعی نظام، در مقابل انواع هجوم سخت و نرم بی‌امان دشمنان بوده است. دشمنان نظام به درستی دریافته‌اند تا زمانی که اقتدار و اعتبار رهبری در ایران محفوظ باشد، هیچ پروژۀ براندازانه‌ای در جمهوری اسلامی، قابلیت طرح و اجرا نخواهد داشت چرا که به وضوح مشاهده کرده‌اند در گذشته و حال چگونه رهبر انقلاب در زمانی اندک و بی‌آنکه از همۀ ابزارهای خود استفاده کند، پیچیده‌ترین طراحی‌های آنان را خنثی کرده است. شایان ذکر است البته در این راه بصیرت، یکدلی و یکپارچگی مردم، دین‌مدار و ولایت‌مدار بودن آنان و سایر ویژگی‌های خاص مردم ایران از عوامل تحکیم قدرت هوشمند و کمکی صدچندان در به‌کارگیری آن توسط رهبران و مسئولان نظام بوده است.

**واژگان کلیدی**: قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، افکار عمومی، رهبری نظام.

انقلاب اسلامي به دليل ماهيت ديني و روحيه عدالت‌طلبي، استقلال، حمايت از مظلومان و استكبارستيزي و نفي هرگونه سلطه‌طلبي و سلطه‌پذيريِ بر آمده از آن، همواره مورد كينه و دشمنيِ معاندان و دشمنان داخلي و خارجي بوده است و آنان از همان آغاز شكل‌گيري انقلاب اسلامي تمام كوشش خود را براي مقابله با انقلاب اسلامي به كار بستند و از هيچ تلاشي در اين راه فروگذار نکردند.

نگاهي گذرا به فهرست اقدامات استكبار جهاني و ايادي داخلي آن در مقابله با انقلاب اسلامي به خوبي عمق كينه و دشمني آنان با انقلاب اسلامي را آشكار مي‌سازد. راه‌اندازي جنگ تحميلي و مداخله آشکار در آن، حمايت از سازمان منافقين در انجام عمليات تروريستي و بر هم زدن امنيت كشور، به راه انداختن اختلافات قومي و قبيله‌اي و حمايت از آن، اعمال تحريم‌ها و فشارهاي بين‌المللي و تبليغات گسترده رسانه‌اي عليه انقلاب اسلامي و... تنها بخشي از اين فهرست ننگين است. با پايان پذيرفتن جنگ تحميلي و دفاع غيورانه و رشادت‌هاي به ياد ماندنيِ جوانان اين مرز و بوم و پس از رحلت امام(ره) از يك‌سو دشمني‌هاي استكبار جهاني شدت بيشتري به خود گرفت و در چارچوب و شكل‌هاي ديگري نمايان گشت و از سوي ديگر در عرصه داخلي نيز برخي از گروه‌ها و احزاب سياسي با مواضع و عملكرد خود كشور را با بحران‌ها و مشكلاتي رو به‌رو ساختند كه اگر هوشياري و تدابير مقام معظم رهبري در مواجهه با اين بحران‌ها و مديريت صحيح آنها نبود، مشخص نبود كه كشور با چه سرنوشتي رو به‌رو مي‌شد. در حقيقت حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبري به‌سان ناخدايي توانمند، سكان كشتي انقلاب اسلامي را در ميان امواج توفان‌ها و بحران‌هاي شديد سياسي، اقتصادی، نظامی و... با در دست گرفتن افکار عمومی و بهره‌مندی از انواع قدرت نرم و سخت و ترکیب متعادل و متناسب این دو قدرت در صحنه‌های مختلف توانسته‌اند آن را به سلامت به ساحل نجات رهنمون سازند.

این مقاله بر آن است تا با بومی‌سازی مفاهیم قدرت نرم و سخت و قدرت هوشمند، عوامل تحکیم آن را در ایران برشمرد و با تکیه بر نقش بسزای رهبری در ترکیب قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) و توان اقناع افکار عمومی نمونه‌هایی از این دریای بی‌کران را بیان کند.

# قدرت نرم

اگر بدون توجه به پیشینه قدرت نرم و بومی‌سازی آن به موضوع پرداخته شود، قدرت نرم قابل درک نخواهد بود و در به دست آوردن آن به خطا خواهیم رفت. "جوزف نای" در کتاب قدرت نرم این تعریف را ارائه می‌کند: قدرت نرم، توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای به دست آوردن نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است (نای، 2004). برای عالی‌ترین نمونۀ قدرت نرم می‌توان به رابطه عاشق و معشوق اشاره کرد؛ در این رابطه، اگر به جنبه زمینی آن توجه شود، چه بسیار انسان‌های قدرتمند که تسلیم افراد ضعیف‌تر شده و برای معشوق سر باخته‌اند. در معشوق باید کششی باشد تا عاشق تسلیم شود. هرچند این روابط در عالم سیاست، بسیار کم اتفاق می‌افتد، همچون زمان حضرت امام خمینی(ره) که جذابیت شخصی آن حضرت، باعث می‌شد تا افکار عمومی با خواست ایشان هماهنگ شود.

این مسئله را می‌توان در زندگی حضرت رسول(ص) به درستی مشاهده کرد. آن حضرت پیش از برانگیخته شدن به رسالت، در میان مردم چنان رفتار کرد که مردم در سخن و رفتار به ایشان اطمینان و باور داشتند که در هر حال او نفع جمعی و حقیقت را در نظر خواهد داشت.

با وجود این باید تأکید کرد تأثیر قدرت نرم صد در صد نیست بلکه نسبی است و در کنار دیگر قدرت‌ها می‌تواند تأثیر ماندگار داشته باشد. بنابراین باید با شناخت قدرت نرم از ظرفیت آن بهرمند شویم. هرچند در ظاهر گفته می‌شود که قدرت نرم در کنار دیگر قدرت‌های اجتماعی مانند قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فلسفی قرار دارد، لیکن واقعیت این است که قدرت نرم، برآمده از چیرگی تمام قدرت اجتماعی یک جامعه است؛ در حقیقت، قدرت نرم بخش اقناعی جامعه در برخورد با چالش یا پرسش است؛ بنابراین، باید بتوان در زمینه روانیِ جامعه، یک خوداتکایی و خودباوری پدید آورد که در برخورد با جامعه‌های رقیب احساس کاستی نشود. بدین معنی که با ترکیب قدرت نرم با انواع قدرت سخت بتوان قدرتی هوشمند در جامعه تولید کرد و با شناسایی عوامل تحکیم آن روندی رو به تعالی را برای جامعه و کشور رقم زد.

# افکار عمومی

افکار عمومی فرآیند پیچیده‌ای است که میان دیدگاه‌های فردی و جریانات فکری جامعه انجام می‌گیرد، روی فرد تأثیر می‌گذارد و اندیشه‌ها و آراء فردی و نظرات گروهی را می‌سازد. افکار عمومی را می‌توان یک جریان فکری دانست که مسلط بر جو فکری جامعه شده و آن را شکل می‌دهد. این ‌افکار از فرهنگ جامعه، یا از افکار قالبی و کلیشه‌ای یا از اطلاعاتی که به وسیلۀ رسانه‌ها در جامعه پخش می‌شود، یا از رخدادهایی که در محیط اتفاق می‌افتد، نشئت می‌گیرد. بنابراین، آداب و رسوم و شیوه‌های رایج فرهنگ، همگی عناصر تشکیل دهندۀ افکار عمومی هستند. تنها تفاوت آنها با آداب و رسوم این است که آداب و رسوم پایدار هستند و خصلت جدایی افکار عمومی را ندارند. در عصر ما افکار عمومی یک‌دست نبوده و در نتیجه، از برخورد جریان‌های فکری گوناگون شکل می‌گیرند؛ زیرا که حوادث، رخدادها و مجموعه اطلاعاتی که به جامعه داده می‌شود، همه در حال تغییر و دگرگونی هستند. این افکار نیز در حال تغییرند؛ از این‌رو می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های افکار عمومی این است که بر مبنای نگرش‌ها شکل می‌گیرد. در واقع نگرش‌ها، پایه‌ها و زمینه‌های پایدارتر افکار یا لایۀ زیرین افکار عمومی به شمار می‌رود (رفیعی، 1382، صص101-97).

اگر نتوانیم افکار عمومی را درک کنیم، نمی‌توانیم قدرت نرم را دریابیم. این در حالی است که قدرت نرم برای انسجام افکار عمومی اهمیت دارد. افکار عمومی، پدیده‌ای روانی- اجتماعی و ویژگی جمعی و عبارت است از ارزیابی و نظر مشترک گروهی اجتماعی در مسئله‌ای که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه‌ای معین، بین شمار بسیاری از افراد و اقشار جامعه به نسبت عمومیت می‌یابد و عامه مردم آن را می‌پذیرند. افکار عمومی به صورت تأیید یا مخالفت با یک عمل، نظر، شخص و واقعه با خواسته، مطالبه، پیشنهاد و توصیه تجلی می‌یابد (حکیم‌آرا، 1373، ص371). افکار عمومی هنگامی پدید می‌آید که موضوع یا مسئله‌ای مورد توجه عمومی وجود داشته باشد. این مسئله، باید تا آن حد حیاتی باشد که مردم را به موضع‌گیری درباره آن وادارد (نصر، 1380، ص411).

"کیم بال یانگ" از پدید آورندگان مکتب شیکاگو به سه مرحله رشد افکار عمومی اشاره می‌کند:

1ـ منشأ موضوع: افکار عمومی از یک مشکل عمومی سرچشمه می‌گیرد، زیرا تا هنگامی که امور، خودکار و عادی جریان دارد و با مسائل عمومی بر پایه عادات و قوانین برخورد می‌شود، هیچ کس خود را به فکر کردن مشغول نمی‌کند، زیرا به ندرت فردی تنها به سبب نقد مطلبی، تفکر می‌کند.

2ـ بحث درباره موضوع و راهکارهای پیشنهادی: این مرحله با کوشش برای شناخت موضوع و امید به پیدا کردن راهکار عملی آغاز می‌شود و سپس بحثی همه جانبه‌تر به دنبال می‌آید، ولی این بحث در مرحله‌ تفسیری و اولیه باقی می‌ماند و در آن بررسی درباره ویژگی‌های گوناگون مشکل، مانند میزان اهمیت آن و بازتاب احتمالی آن بر سایر ویژگی‌های زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد.

زمانی که بحث‌ها، جدل‌ها و مشاوره‌های مربوطه انجام گرفت، راهکارهای گوناگون بروز می‌کند که بیشتر متناقضند. در مورد راهکارهای موضوع تازه، اغلب اختلافاتی شدید رخ می‌دهد و در این مرحله، عوامل اختلاف و اتفاق روشن‌تر می‌شود و در زمانی که آرای گوناگون بیان شد، گروه‌هایی کوچک تشکیل می‌شود که هر یک، از دیدگاهی ویژه هواداری می‌کند. سپس آرا متبلور می‌شوند، راهکارهای خیالی کنار گذاشته می‌شوند و راهکاری میانه به دست می‌آید یا ممکن است اختلافات به ناسازشی منجر شود.

3ـ دستیابی به توافق عمومی: زمانی که موضوعات مربوطه از فوریت برخوردار باشند، نمی‌توان برای همیشه به بحث ادامه داد و دستیابی به یک راهکار، حیاتی است. رسیدن به اتفاق در برخی عرصه‌های خاص، ساده و در برخی عرصه‌های دیگر دشوار است(نصر، 1380، صص413-414).

# قدرت سخت، نرم و هوشمند

جوزف ناي در كتاب "رهبران سياسي: قدرت سخت، نرم و هوشمند" در تشريح اهميت قدرت نرم به عنوان سلاحي سياسي و ديپلماتيك و به‌كارگيري هوشمندانه قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) بسيار خوب عمل كرده است. ناي كه در كتاب پيشين خود (قدرت نرم) از مؤلفه‌هاي نرم‌افزاري در جهت به دست آوردن اذهان و قلوب و در نتيجه تحقق سياست‌هاي مورد نظر سخن گفته است، اين‌بار در كتاب اخير خود بر به‌كارگيري آميزه‌اي از قدرت نرم و قدرت سخت تأكيد مي‌كند و آن را "قدرت هوشمند" مي‌نامد.

بهره‌گیری صرف از قدرت نرم يا قدرت سخت مؤثر نيست و از اين‌رو ‌بايد هوشمندانه آميزه‌اي از اين دو قدرت را به كار برد. وی قدرت نظامي و اقتصادي (سياست چماق و هويج در برابر دولت‌ها و ملت‌ها) را قدرت سخت و قدرت فرهنگي، ارزشي و سياست خارجي مشروع (ايجاد جذابيت و دستيابي به قلوب و اذهان دولت‌ها و ملت‌ها) را قدرت نرم تعريف مي‌كند. در واقع، وي ايجاد هوشمندانه توازن ميان قدرت نرم و قدرت سخت مطابق بافت منطقه‌اي و جهاني را قدرت هوشمند مي‌داند و بر اين باور است كه راز موفقيت رهبران در آميختن هوشمندانه قدرت نرم و سخت در بافت‌هاي مختلف نهفته است و اين نوع به‌كارگيري قدرت، بهينه‌ترين نتيجه را براي رهبران سياسي در پي خواهد داشت.

همچنين از نظر ناي رهبران كارآمد بايد توان درك محيط خود را داشته باشند و مطابق تغييرات محيطي سياست‌هاي خود را تنظيم و به اين وسيله بقاي خويش را تضمين كنند. مهارت‌هاي رهبران سبب مي‌شود در شرايط مساوي، برخي از آنها نسبت به سايرين بهتر سياست‌گذاري کنند. ناي در بحث مربوط به قدرت هوشمند به اهميت به‌كارگيري متوازن قدرت نرم و سخت تأكيد مي‌كند و آن دو را مكمل يكديگر مي‌داند.

كارآمدترين رهبران در هنگام تغيير شرايط، ويژگي‌هاي برجسته خود را نشان مي‌دهند. به بيان ديگر، رهبران واقعي در بافت‌ها و شرايط مختلف خود را سازگار كرده و موفقيت خود را تضمين مي‌كنند. به طوري كه بسته به شرايط، قدرت نرم و سخت را با درجات مختلف به كار مي‌برند. بنابراين برآورد درست شرايط و در نتيجه سياست‌گذاري درست را مي‌توان ناشي از درك هوشمندانه شرايط دانست (نیکو، 1389).

# رهبری و قدرت هوشمند در ایران

تجربه سیاسی- مذهبی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که متقاعدسازی افکار عمومی مهم‌ترین عنصر ارتباطی ایشان و قاطبه ملت بوده است. خاستگاه فکری- فرهنگی و مذهبی مشترک امام(ره) و مردم موجب درک مشترک متقابل بود که به خوبی توانست، موجب افزایش نفوذ کلام و انتقال پیام به توده‌های انقلابی با روش‌های نرم‌افزاری شود. راز توانمندی امام(ره) در بسیج افکار عمومی در این جاذبه اقناعی ایشان نهفته است.

نقش رهبري معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای در کاربرد قدرت هوشمند و تدبيرهاي حکیمانه ايشان در بيش از دو دهه نیز در تداوم حرکت حضرت امام خمینی(ره) است. در ادامه به چند نمونه از بحران‌هاي داخلي و خارجي و تدبيرهاي ايشان در مهار آنها اشاره مي‌شود كه به خوبي گوياي نقش و جايگاه رهبري نظام و بيانگر توانمندي و كارايي آن در برطرف نمودن بحران‌هاست.

## بحران دادگاه ميكونوس

در ماجراي دادگاه ميكونوس كه به دنبال ترور "صادق شرفكندي" دبير كل حزب دمكرات كردستان و سه تن از همفكران وي در 26 شهريور 1371 در رستوران ميكونوسِ شهر برلين آلمان صورت گرفت و با نقش‌آفريني بني‌صدر همراه شد، دادگاه ميكونوس پس از پنج سال در حكمي موهن كه بر مبناي شهادت گروهك منافقين شكل گرفت، حكم بازداشت وزير اطلاعات جمهوري اسلامي ايران را صادر نمود و در آن از برخي مقامات جمهوري اسلامي به عنوان طراحان اين ترور نام برده شد. همزمان با اعلام اين حكم موهن، رسانه‌هاي غربي به‌ويژه رسانه‌هاي امريكا و رژيم صهيونيستي تبليغات گسترده‌اي را عليه نظام جمهوري اسلامي به راه انداختند و تلاش کردند جمهوري اسلامي را ناقض حقوق بين‌المللي معرفي کنند. در پی صدور اين حكم، مقامات رسمي كشور و وزارت امور خارجه ضمن محكوم نمودن اين حكم، مراتب اعتراض شديداللحن خود را به مقامات آلماني اعلام نمودند كه به دنبال آن روابط ايران و آلمان تيره شد و سفير اين كشور و سفراي كشورهاي اروپايي در اقدامي هماهنگ يكي پس از ديگري كشور را ترك كردند و روابط كشورمان با كشورهاي اتحاديه اروپا نيز تيره شد. در چنين شرايطي مقام معظم رهبري با اشاره به بی‌نيازی جمهوري اسلامي به رابطه با كشورهاي اروپايي، درباره سفيراني كه به خاطر دادگاه ميكونوس، كشور ايران را ترك كرده بودند، با قاطعيت فرمودند:

لازم نيست سفرايي كه رفته‏اند به ايران برگردند، سفير آلمان حق ندارد بيايد تا زماني كه ما بگوييم. و اگر بنا باشد سفراي كشورهاي اروپايي مجدداً به تهران بازگردند- البته ايران در اين راه پيش‌قدم و درخواست كننده نخواهد بود- سفير آلمان بايد آخرين آنها باشد.

پس از مدتي كشورهاي اروپايي كه از چنين اقدامي طرفي نبستند مجبور شدند سفراي خود را راهي ايران کنند و همانگونه كه مقام معظم رهبري تأكيد فرمودند سفير آلمان آخرين سفيري بود كه به صورت تحقيرآميز وارد ايران شد.

قاطعيت و تدبير مقام معظم رهبري در اين ماجرا كه با هدف تحت فشار گذاردن ايران و تحقير جمهوري اسلامي و مقامات بلندپايه كشور شكل گرفت، موجب شد تا عزت و اقتدار جمهوري اسلامي در عرصه بين‌المللي براي همگان آشكار شود و كشورهاي اروپايي تحت فشار و تحقير قرار بگيرند.

## بحران قتل‌هاي زنجيره‌اي

يكي از بحران‌هاي شديدي كه نظام را با مشكلاتی بزرگ رو به‌رو ساخت، جريان قتل‌هاي زنجيره‌اي در سال 1377 بود. در اين قتل‎ها چند نويسندۀ گمنام و يكي از فعالان سياسي روزهاي اول انقلاب كه البته در سال‎هاي اخير كمتر نامي از او به ميان آمد (فروهر) و همسرش به قتل رسيدند. پس از قتل اين افراد، به دنبال تحقيقات انجام شده، وزارت اطلاعات در بيانيه‎اي اعلام كرد تعدادي از افراد خودسر اين وزارتخانه مسئول وقوع اين قتل‎ها بوده‎اند. اين اتفاق كه با پوشش رسانه‎اي و تبليغاتي رسانه‌هاي خارجي و همزمان برخي رسانه‌هاي داخلي همراه بود، التهابات زيادي را در جامعه و به‎ خصوص محافل سياسي و مطبوعاتي به‎وجود آورد و به دنبال آن، موج شديد عملیات رواني و جنجالی بزرگ عليه نظام به راه افتاد كه مشكلات زيادي را براي كشور به وجود آورد و مي‌رفت تا اساس نظام و پايه‌هاي اعتماد مردمي آن را متزلزل سازد كه مقام معظم رهبري با هوشياري و بينش عميق خويش، ضمن تأكيد بر ضرورت تلاش وزارت اطلاعات براي روشن كردن دست‎هاي پشت پرده اين ماجرا، نكاتي را در اين‎باره مطرح كردند كه تأثير زيادي در تنوير اذهان و نقشه‌هاي پشت پرده اين ماجرا و خنثي شدن توطئه عليه نظام داشت، ايشان در تحليل اين ماجرا فرمودند:

اين قتل‎ها به‎ ضرر ملت ايران بود، به ضرر دولت بود، به ضرر حكومت بود. يك گروه داخلى كه جزو وزارت اطلاعات هم باشند، هرچه هم حالا فرض كنيد كه متعصب باشند و بناى اين كار را داشته باشند، در سطوحى از وزارت اطلاعات كه اهل تحليل‌اند، امكان ندارد دست به چنين قتل‎هايى بزنند. اين افرادى كه كشته شدند، بعضي‎ها را ما از نزديك مى‌شناختيم. اين‎ها كسانى نبودند كه يك نظام، اگر بخواهد اهل اين حرف‎ها باشد، سراغ اين‎ها برود. اگر نظام جمهورى اسلامى اهل دشمن‌كشى است، دشمنان خودش را مى‌كشد؛ چرا سراغ فروهر و عيالش برود؟!(بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در نماز جمعه تهران‌، 18 دی 1377).

ايشان همچنين در خصوص برخوردهاي نادرست بعضي از رسانه‌ها در قبال اين ماجرا و نقش‌آفريني آنها در راستاي اهداف دشمنان خاطرنشان فرمودند:

آنچه موجب تعجب و حيرت است مواضع بعضي مطبوعاتي‌هاي خودي و رسانه‌هاي داخلي است كه درست مانند دشمن عمل مي‌كنند (بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در نماز جمعه تهران‌، 18 دی 1377).

اين بحران كه مي‌رفت نظام را با چالش جدي رو به‌رو سازد با سرپنجۀ تدبير و موضع‌گيريِ به‌موقعِ مقام معظم رهبري و تبيين زواياي قضيه و تنویر افکار عمومی با تکیه بر قدرت هوشمند، فروكش نمود و دشمنان و بدخواهان نظام نتوانستند از اين ماجرا طرفي ببندند.

## بحران كوي دانشگاه

هنوز التهاب ناشي از قتل‌هاي زنجيره‌اي در جامعه به طور كامل فروكش ننموده بود كه بحران كوي دانشگاه كشور را با چالشی بزرگ‌تر رو به‌رو ساخت، حادثه‌اي كه با طراحي نيروهاي خارجي و صحنه‌گرداني اپوزیسيون داخلي و بازيگري گروهي از اراذل و اوباش انجام گرفت و امنيت و آرامش شهر توسط برخي از افراد آشوب‌طلب به هم خورد كه همزمان با حمايت بي‌دريغ اپوزیسیون و گروه‌هاي معاند و مخالف نظام همراه شد. در این حال، رسانه‌هاي خارجي و داخليِ وابسته به آنها سعي در ملتهب نمودن فضا و ادامه تشنجات داشتند كه با هوشياري و تدبير به هنگام مقام معظم رهبري، حادثه‌اي كه مي‌رفت نتايج زيانباري براي نظام به دنبال داشته باشد و دشمنان را در رسيدن به رؤياهاي خود اميدوار کرده بود به صحنه كم‌نظير حمايت و دلدادگي مردم به نظام تبديل شد. ايشان در سخناني كه در جمع دانشجويان ايراد فرمودند، ضمن اظهار ناراحتي از بروز چنين حادثه‌اي و لزوم برخورد با عاملان آن، حساب دانشجويان را از افراد آشوب‌طلب جدا نموده و به تبيين دست‌هاي پشت پرده براي ضربه زدن به نظام پرداختند و هوشياري جوانان دانشجو و غير دانشجو را در برابر توطئه‌هاي دشمنان، خواستار شدند و همه را به خويشتن‌داري و ندادن بهانه به دست دشمنان فراخواندند.

ايشان همچنين خطاب به نخبگان سياسي، مشغول شدن به درگيري‌هاي سياسي و جناحي و رعايت نكردن حد و مرز در رقابت‌ها را زمينه‌ساز چنين حوادثي دانستند و فرمودند:

يك نكته هم به اين خط و خطوط سياسى عرض كنيم. آقايانى كه سردمداران خطوط سياسى و گرايش‌هاى سياسى هستيد، حالا برسيد به اين حرفى كه ما مى‏گوييم شما خودي‌ها وقتى سر قضاياى بيهوده اين‌‌طور با هم درگير مى‏شويد، دشمن سوءاستفاده مى‏كند؛ بفرماييد، اين يك نمونه؛ ديديد دشمن چطور استفاده كرد؟! من به يك جريان سياسى خاص اشاره نمى‏كنم؛ خطاب من به همه است. براى من، آن خط و اين خط و هر خط سياسى و سليقه سياسى ديگر، تفاوت نمى‏كند. براى من، مناط و ملاك، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ كشور و رعايت مصالح مردم و حفظ آينده كشور مطرح است (بيانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در ديدار دانشجويان و اقشار مختلف مردم‏ در پی حادثه كوی دانشگاه تهران، 21 تیر 1378).

ايشان همچنين در پيامي كه در پيرامون حوادث به وجود آمده خطاب به ملت ايران صادر نمودند، با تحليل عميق عوامل اصلي ايجاد اين حادثه، قاطعيت و صلابت نظام اسلامي و پشتوانه مردمي نظام را عامل شكست چنين نقشه‌هايي دانستند. سخنان الهام‌بخش سكان‌دار انقلاب اسلامي چنان روح حماسه و شجاعت را در ميان ملتِ باصلابت و ولايت‌مدار ايران دميد كه با راهپيمايي 23 تير همچون موجي خروشان در صحنه دفاع از نظام و ارزش‌ها و اصول آن حاضر شده و نقشه‌هاي دشمنان و بدخواهان نظام را نقش بر آب نموده و اين حادثه را به حماسه‌اي ماندگار در تاريخ انقلاب اسلامي تبديل کردند.

## بحران در انتخابات دوره ششم و هفتم مجلس شوراي اسلامي

اغتشاشات مربوط به غائله كوي دانشگاه با حضور گسترده مردم پايان يافت، اما باز هم تعدادي از گروه‎هاي سياسي در رقابت، خطوط قرمز و منافع ملي را ناديده گرفتند. اوج اين مسائل را بايد در انتخابات مجلس ششم و هفتم مشاهده كرد. در انتخابات مجلس ششم بحران پديد آمده مربوط به تقلب صورت گرفته در بعضي حوزه‎هاي رأي‎گيري بود كه پس از بازشماري آراي تهران اختلافات فاحشي در تعداد آرا پديد آمد و شوراي نگهبان حاضر به تأييد انتخابات نشد. جناح حاكم كه خود را پيروز انتخابات مي‎دانست و البته مناصب كليدي در ستاد انتخابات كشور را هم در دست داشت، بر مواضع خود تأكيد مي‎كرد و حملات شديدي را عليه نهادهاي نظارتي تدارك ديد و از تمكين نظر آنها امتناع ورزید.

در انتخابات مجلس هفتم باز هم بحراني ديگر از سوي تعدادي از گروه‎هاي سياسي براي نظام پديد آمد. در آستانه انتخابات مجلس هفتم تعدادي از نمايندگان مجلس كه از طيف تجزيه‌‎طلب دوم خرداد بودند، در اعتراض به رد صلاحيت تعدادي از نمايندگان مجلس ششم در انتخابات هفتمين دوره مجلس شوراي اسلامي، در مجلس دست به تحصن زدند و خواستار عدم برگزاري انتخابات يا حداقل تعويق آن كه قرار بود بر‎اساس برنامه اعلام شده در روز اول اسفند برگزار شود، شدند. علاوه‎ بر‎اين نمايندگان تعدادي از استانداران و معاونين وزرا نيز در نامه‎اي از مناصب خود استعفا دادند. اما عليرغم خواست رهبري، باز هم تعدادي از گروه‎هاي دوم خردادي همراه با اپوزیسيون خارج‎نشين اين انتخابات را تحريم كردند، ولي نتيجه اين انتخابات براي آنان، قدم گذاشتن در مسير حذف از فضاي سياسي ايران بود.

## بحران جريان‌هاي سكولار و اصلاحات

يكي از بحران‌هاي كشور نفوذ جريان‌هاي سكولار در پوشش عنوان اصلاحات در كشور بود كه به دنبال حاكميت جريان اصلاحات، فضا و زمينه را براي طرح افكار خود در جامعه مناسب ديدند. دوران به قدرت رسيدن طيفي از تجديدنظرطلبان در دوره موسوم به اصلاحات و توسعه سياسي را بايد جزو تلخ‌ترين و سخت‌ترين دوران حيات انقلاب اسلامي به شمار آورد. دوراني كه شاهد بروز و ظهور فتنه‌هايي چون قتل‌هاي زنجيره‌اي، شبه كودتاي 18 تير، يكه‌تازي مطبوعات زنجيره‌اي و فضاي به شدت ملتهب سياسي كشور بوديم. مقام معظم رهبري در برابر چنين جريان خطرناكي كه بنيان‌ها و اصول نظام را نشانه رفته بود با چند تدبير حكيمانه آنان را خلع سلاح نموده و ابتكار عمل را از آنان گرفتند كه از جمله مي‌توان به اين موارد اشاره کرد:

1- تبيين ضرورت اصلاحات در كشور؛

2- ترسيم مرز ميان اصلاحات حقيقي و اصلاحات غير حقيقي؛ ايشان پس از تبيين ضرورت اصلاحات در كشور به ترسيم مرز ميان اصلاحات حقيقي و اسلامي و اصلاحات غير حقيقي و به تعبير ايشان اصلاحات امريكايي پرداختند تا از انحراف اين حركت و نفوذ افكار بيگانه در آن جلوگيري کنند.

3- تبيين محورهاي اصلاحات حقيقي؛ ايشان با تبيين محورهاي اساسي اصلاحات، تلاش نمودند تا مسير صحيح اصلاحات را ترسيم نموده و آن را از بيراهه رفتن باز دارند.

4- تشريح اهداف پشت پرده دشمن از اصلاحات؛ مقام معظم رهبري با تشريح اهداف دشمنان از شعار اصلاحات و حمايت از آن به تشريح دست‏هاى پنهان و آشكارى پرداختند كه در مرحله مشابه‌سازى اوضاع ايران با شوروى سابق براساس طرح امريكا و به دقت با انگيزه فروپاشى نظام جمهورى اسلامى وارد عمل شدند. ايشان در اين‌باره فرمودند: يك طرح همه‌جانبه امريكايي براي فروپاشي نظام جمهوري اسلامي طراحي شد و جوانب آن از همه جهت سنجيده شد، اين طرح، طرح بازسازي شده‌اي است از آنچه كه در فروپاشي اتحاد جماهير شوروي اتفاق افتاد، به نظر خودشان مي‌خواهند همان طرح را در ايران پياده كنند... اما واقعيت با آنچه كه آنها طراحي كردند به قدر زمين تا آسمان متفاوت است، اشتباه بزرگي را مرتكب شدند. اين‌ها در چند مورد اشتباه كردند؛ اشتباه اولشان اين است كه آقاي خاتمي گورباچف نيست. اشتباه دومشان اين است كه اسلام، كمونيسم نيست. اشتباه سومشان اين است كه نظام مردمي جمهوري اسلامي، نظام ديكتاتوري پرولتاريا نيست. اشتباه چهارمشان اين است كه ايرانِ يكپارچه، شورويِ متشكل از سرزمين‌هاي به هم سنجاق شده نيست. اشتباه پنجمشان اين است كه نقش بي بديل رهبري ديني و معنوي در ايران شوخي نيست [http://farsi.khamenei.ir/themes/fa_def/images/ver2/spacer.gif](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3016)(بيانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در ديدار مسئولان و كارگزاران نظام جمهورى اسلامى ايران، 19 تیر 1379).

5- تبيين نقاط ضعف و انحراف در جريان اصلاحات؛ مقام معظم رهبري با درايت و هوشمندي به تشريح نقاط انحراف و ضعف جريان اصلاحات پرداختند تا از بيراهه رفتن آن جلوگيري کنند. در اين راستا به دو مورد از نقاط ضعف و انحراف اين جريان از ديدگاه ايشان، اشاره مي‌شود:

الف: نفوذ عناصر غير معتقد به ارزش‌ها و اصول اسلام و انقلاب در اين جريان؛

ب: آزادي افسار گسيخته مطبوعات و روزنامه‌ها؛ يكي از نقاط ضعف و منفي جريان اصلاحات از ديدگاه مقام معظم رهبري، آزادي افسار گسيخته مطبوعات و روزنامه‌ها بود كه موجب شد كه اصول و مباني و ارزش‌هاي اسلام و انقلاب مورد هجوم قرار گرفته و سيل اهانت و توهين به مقدسات در زير لواي آزادي و به بهانه آن، فضاي فكر و روح جامعه را تخريب کند كه اين مسئله بارها و بارها مورد اعتراض مردم متدين و علما و مراجع ديني و مقام معظم رهبري قرار گرفت.

متأسفانه گروه‌هاي اصلاح‌طلب به هشدارها و تأكيدهاي مقام معظم رهبري توجه ننمودند و با نفوذ افكار غربي در جريان اصلاحات، اين جريان، دچار انحراف و فاصله گرفتن از اصول و ارزش‌هاي اسلامي و انقلاب شد و از مسير صحيح نظام و مطالبات حقيقي مردم خارج گرديد. به همين دليل آنها پايگاه مردمي خويش را از دست دادند و مردم دست رد به سينه آنان زدند.

## بحران در حوادث پس از انتخابات

يكي از بحران‌هاي شديدي كه نظام جمهوري اسلامي را با مشكلات زيادي رو به‌رو ساخت حوادث پس از انتخابات رياست جمهوري سال 1388 بود. آنچه پس از انتخابات رخ داد در لايه ظاهري اعتراض به نتيجه انتخابات با ادعاي واهي تقلب بدون هيچ‌گونه دليل و مدركي و با بهره‌گیری از روش‌هاي غير قانوني و كشاندن اعتراضات به سطح خيابان‌ها بود. در حالي كه راه حل قانوني براي اين مسئله وجود داشت و انتظار اين بود كساني كه معتقد به نظام اسلامي بوده و ساليان زيادي به نظام خدمت نموده و قانون‌گرايي و احترام به قانون را از برنامه‌هاي اصلي خود معرفي کرده بودند، از طريق مجاري قانوني مطالبات و ادعاهاي خود را پيگيري کنند. ولي اصرار بر پيمودن مسيرهاي غيرقانوني براي پيگيري مطالبات، منجر به بروز تشنجات و بر هم خوردن نظم و امنيت و آرامش مردم شد. اما در پس پردۀ حوادث رخ داده و لايۀ زيرين آن، تلاش براي بر هم زدن امنيت و آرامش كشور و براندازي نظام و مقابله با نظام اسلامي در سايه حوادث و آشوب‌هاي خياباني تحت عنوان اعتراض به انتخابات در دستور كار دشمنان و بدخواهان داخلي و خارجي نظام قرار گرفت و مخالفان نظام تمام تلاش خود را براي سوء استفاده از فضاي به دست آمده و به اصطلاح ماهي گرفتن از آب گل آلود به كار بستند و سيل عظيم تبليغات منفيِ رسانه‌هاي غربي و پوشش گسترده حوادث و بزرگ‌نمايي‌ها و سياه‌كاري‌هاي صورت گرفته توسط آنها و حمايت كشورهايي نظير امريكا و انگلیس- كه دشمني آنان بر مردم ايران پوشيده نبوده و نيست- و اين ‌بار تحت لواي حمايت از مردم ايران و آزادي به ميدان آمده بودند، شاهد گويايي بر برنامه‌ريزي دشمنان در اين مسئله بود. مقام معظم رهبري چند ماه پيش از آغاز اين بحران، با شناختی عميق كه از هدف دشمنان انقلاب براي ضربه زدن به اعتماد و اطمينان مردم نسبت به نظام به منظور تضعيف مشروعيت آن، داشتند نسبت به هدف دشمن هشدار دادند و فرمودند:

من مى‏بينم بعضى‏ها در انتخاباتى كه دو سه ماه ديگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع كرده‏اند به خدشه كردن. اين چه منطقى است؟ اين چه فكرى است؟ اين چه انصافى است؟ اين همه انتخابات در طول اين سى سال انجام گرفته است- در حدود سى انتخابات- مسئولان وقت در هر دوره‏اى رسماً متعهد شده‏اند و صحت انتخابات را تضمين كرده‏اند، و انتخابات صحيح بوده است؛ چرا بي‌خود خدشه مي‌كنند، مردم را متزلزل مي‌كنند، ترديد ايجاد مي‌كنند؟ (بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در مورد «اتهام تقلب در انتخابات» دهم ریاست‌جمهوری، 23 خرداد 1389).

ايشان در جريان بحران با چند اقدام و موضع‌گيري صريح، ضمن ترسيم ابعاد مختلف اين حادثه و زواياي مختلف و ابعاد داخلي و خارجي آن، به‌گونه‌اي شايسته با آن برخورد نمودند و بار ديگر نقش بي‌بديل رهبري نظام را در هدايت نظام جمهوري اسلامي از فراز و نشيب‌هاي مختلف در معرض ديد همگان قرار دادند. در اينجا به مهم‌ترين اقدامات و مواضع ايشان در برخورد با اين بحران اشاره مي‌شود:

1- تلاش براي پيمودن راه‌هاي قانوني توسط نامزدهاي معترض و حل مسائل از طريق قانون و تبيين موضع نظام در برابر مطالبات غير قانوني؛

2- توجه دادن نخبگان سياسي به پيامدهاي زير پا گذاشتن قانون و غفلت نكردن از دشمنان نظام؛

3- تبيين دروني بودن اختلافات؛

4- جدا نمودن خط تخريب و اغتشاشات از مردم؛

5- موضع‌گيري قاطعانه و با صلابت در برابر دخالت‌ها و توطئه‌هاي استكبار جهاني در حوادث پس از انتخابات؛

6- درخواست از نخبگان سياسي و خواص براي موضع‌گيري شفاف و جدا نمودن مرز خود با دشمنان؛ و

7- قاطعيت در برخورد با متخلفان در برخي حوادث.

تدابير و موضع‌گيري‌هاي قاطع مقام معظم رهبري در اين حادثه نيز بار ديگر، قدرت، توانمندي و كارآيي مثال‌زدني رهبري نظام را در مواجهه با بحران‌ها و گذر از آنها را به جهانيان نشان داد و اهميت جايگاه رهبري نظام در به‌کارگیری قدرت هوشمند این نظام را بر همگان آشكار ساخت. آنچه در اين نوشتار بدان اشاره شد، نمونه‌هايي از توانمندي و هوشمندي رهبري نظام در برخورد با بحران‌ها و مديريت آنها بود، بحران‌هايي كه هر يك از آنها كافي بود تا هر نظام سياسي را با چالش و مشكلات جدي رو به‌رو سازد و موجوديت آن را به خطر اندازد. به‌کارگیری قدرت هوشمند و توان اقناع افکار عمومی با تدابير حكيمانه و بينش عميق مقام معظم رهبري به عنوان سكان‌دار انقلاب اسلامي در دوران پر بركت رهبري خود، موجب شد تا كشتي نظام اسلامي از ميان اين امواج سهمگين و توفان‌هاي شديد به سلامت به سوی ساحل سعادت و پيشرفت و عدالت حركت كند و دشمنان را در رسيدن به اهداف شوم خود ناكام گذارد. باشد كه قدردان چنين نعمت بزرگي باشيم و با وحدت و همدلي ايشان را در رسيدن به اهداف عالي و نوراني نظام همراهي کنیم(کرامتی، 1390، صص 85-201).

# نتیجه‌گیری

افزایش توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست ایدئولوژیک جهان به شمار می‌رود. توان ترکیبی قدرت هوشمند در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و قدرت سخت به دست می‌آید. البته افزایش کیفی در بالا بردن توان ذهنی کارگزاران و حرفه‌ای عمل کردن آنان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این فرآیند به شمار می‌رود. ذهن‌های خلاق و پردازش‌گر مهم‌ترین کانون‌های اساسی در تبیین راهبردی قدرت هوشمند، اعم از نرم و سخت را شکل می‌دهد. اگر خوب به درک و فهم نهادهای مولد راهبردی قدرت هوشمند توجه کنیم، راهبرد قدرت‌های ایدئولوژیک جهان با هدف تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی حداکثری در جهان پیرامون خود هویت پیدا می‌کند. یافتن منابع و تشخیص همگرایی و شناخت ابزارها از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت هوشمند است. در یک چنین فرآیندی وابستگی محیط بین‌المللی به قدرت هوشمندِ برتر به درک واقعیت‌های ایدئولوژی برتر در مناسبات جهانی عمق پیدا می‌کند و در کالبد آن ایدئولوژیِ قدرتِ هوشمند عمیقاً معنا و مفهوم می‌یابد. رویکرد قدرت هوشمند مستلزم انعطاف در ماهیت تغییر است.

قدرت هوشمند پاسخی است به ناکامی‌هایی که در مؤلفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذار و گذر زمان تجربه شده است. در تأمین نگاه حداکثری به منافع ملی، قدرت هوشمند با اهدافی وسیع‌تر و گام‌هایی عمیق‌تر به ژرفای راهبردیِ ارائه شده و دامنه نفوذ و تأثیرگذاریِ جهان پیرامون خود توجه دارد و تلاش می‌کند تا عملکرد و راهبرد خود را با منطقی که می‌پسندد، توجیه کند.

قدرت هوشمند می‌تواند با محاسبات دقیق، حوزه عمل خود را اعم از برداشت عینی از منابع، توان اقتصادی و ظرفیت اجتماعی و ثبات امنیتی به حیات خود و منافعی که برای آن تلاش می‌کند، اعتبار و ثبات بخشد. بی‌تردید تأثیر و موفقیت قدرت هوشمند در فرآیند یک سلسله عملیات وابسته به آگاهی و داناییِ محیط پیرامونی آن معنی پیدا می‌کند.

"بصيرت" را مي‌‌توان یکی از چند معادل دقيق "قدرت هوشمند" به‌كار برد. "بصيرت" نگاه نافذ و همه‌جانبه‌اي است كه بار‌‌ سياسي و حزبي ندارد اما در درك دقايق و ظرايف و عمق و معناي تحولات سياسي و بين‌المللي به‌كار مي‌آيد. افق نگاه وسيع‌تر، كلان‌نگري‌، تعريف حداكثري منافع، درك تفاوت‌‌ها و تضادها، توان تأثيرگذاري، برنامه‌ريزي و محاسبه‌نگري، شناخت منطق تحولات، مقتضيات و مناسبات زمانه، به‌كارگيري دانش و ابزارهاي علمي در تحليل و ارزيابي، ظرفيت‌‌آفريني از منابع سنتي و مدرن قدرت و ارزش‌آفريني، ‌هنجارسازي و ايجاد مشروعيت، فرصت‌سازي و تهديد‌شناسي، بهره‌گیری مناسب از ديپلماسي ‌عمومي و قدرت‌ نرم، طراحي شيوه‌ها و سناريوهاي مختلف ديپلماتيك، اعتماد‌سازي و حساسيت‌زدايي، نهادينه‌كردن باور استقرار عدالت جهاني در يك مسير تدريجي و تلاش ‌جمعي، اعتقاد به صلح و ثبات جهاني و تلاش براي همكاري و همگرايي، گسترش دمكراسي و حقوق بشر، ‌‌تسامح و تنوع فرهنگي، بهره‌گیری از گفت‌وگو و قانون براي حل مشكلات،‌ حداقلي‌كردن تعارض منافع و حداكثري‌ كردن همگرايي‌ها و همكاري‌ها، فعال‌سازي سازمان‌‌ها و نهادهاي تخصصي بين‌المللي و پويايي و عدم سكون در روش‌‌ها و منش‌‌هاي تعقيب اهداف و منافع همگي را می‌توان از اجزا و عوامل تحکیم قدرت هوشمند دانست که در کشور عزیزمان بارها این مصادیق یا حتی کامل‌تر از آنها در بیانات، موضع‌گیری‌ها، توصیه‌ها و عملکرد دقیق حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای بیان شده است.

# منابع

در نسخه چاپی فصلنامه موجود می‌باشد.